

تحلیل چرخه شهرنشینی در کلان منطقه خراسان

محمدحسن یزدانی

استادیار گروه جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه محقق اردبیلی

تاریخ دریافت: ۹۳/۹/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۹۴/۸/۱۸

چکیده

هدف مقاله حاضر ارزیابی نظریه یا مدل چرخه شهرنشینی یا شهرنشینی دیفرانسیل، با مورد نمونه کلان منطقه خراسان در طول پنجاه و پنج سال اخیر بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ می‌باشد. داده‌های به کار رفته در این تحقیق آمارهای جمعیتی شهرهای منطقه خراسان در هشت دوره سرشماری از سال ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ بود. تحقیق حاضر از لحاظ هدف بنیادی و کاربردی و ماهیت و روش تحقیق توصیفی و تحلیلی است. در این تحقیق ابتدا به‌طور خلاصه نظریه یا مدل چرخه شهرنشینی یا شهرنشینی دیفرانسیل و بعد ادبیات تحقیق در این زمینه بررسی شده است. سپس تحولات شهرنشینی در کلان منطقه خراسان در پنجاه و پنج سال اخیر بررسی شده و چرخه شهرنشینی در شبکه شهری کلان منطقه خراسان مورد ارزیابی قرار گرفته است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که در سرشماری‌های ۷۰-۶۵-۵۵-۴۵-۳۳۵-۱۳۳۵ به ترتیب با ۵/۶، ۳/۳، ۹/۱ و ۵/۱ درصد نرخ رشد سالانه شهرهای متوسط (پنجاه تا صد هزار نفری) و در سرشماری‌های ۹۰-۸۵-۱۳۷۵ به ترتیب با ۳ و ۲/۸ درصد نرخ رشد سالانه طبقه شهرهای کوچک (ده تا بیست و پنج هزار نفری) بیشترین نرخ رشد را به خود اختصاص داده‌اند که بر این اساس نظام شهری کلان منطقه خراسان با چرخه شهرنشینی مطابقت ندارد و عامل سیاسی - اجتماعی مهاجرت افغانها به این منطقه به‌عنوان عامل خارجی و تحولات جمعیتی به عنوان عامل داخلی مهمترین عوامل تاثیر گذار بر این الگوی شهرنشینی بوده‌اند. پیشنهاد می‌شود در تعمیم نظریه‌های مختلفی که در زمینه‌های مختلف علمی از جمله شهرسازی و شهرنشینی در سایر کشورها ارئه داده‌اند، احتیاط لازم بشود و نظریه‌های مذکور تعدیل شده و با ساختار محیطی بومی و منطقه‌ای تطبیق داده شود تا از این طریق بتوان به کارگیری این مدل‌ها در حل مشکلات اثر گذار بشوند.

واژه‌های کلیدی: شهرنشینی - چرخه شهرنشینی، شهرها، کلان منطقه خراسان

طرح مساله

بعد مهاجرت‌های شدید روستا - شهری به‌طور وسیع در کشور و منطقه خراسان آغاز شده است. به‌طوری که در طول دوره ۵۵ ساله بین ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ جمعیت شهرنشین کشور از ۳۱/۴ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۷۱/۴ درصد در سال ۱۳۹۰، نرخ رشد شهری از ۴/۹ بین سال‌های ۱۳۳۵-۱۳۴۵ به ۲/۱۴ درصد و تعداد نقاط شهری از ۱۹۹ نقطه به ۱۳۳۱ نقطه شهری تغییر یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۱۲). در طول این دوره در منطقه خراسان شهرنشینی از ۲۲/۵ درصد در سال ۱۳۳۵ به ۶۸/۱۱ درصد در سال ۱۳۹۰ افزایش یافته است و در همین دوره نرخ رشد شهری از ۵/۱۵ درصد بین سال‌های ۴۵-۱۳۳۵ به ۲/۴ درصد بین سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰

در سطح جهانی امروزه بیش از ۵۴ درصد جمعیت جهان در شهرها زندگی می‌کنند (United Nations, 2014). بر طبق سرشماری سال ۱۳۹۰ کلان منطقه خراسان^۱ (استان‌های خراسان رضوی، شمالی و جنوبی) ۷۵۹۴۳۲۱ نفر جمعیت داشت که ۶۸/۱۱ درصد شهرنشین بودند و در ۱۱۹ نقطه شهری سکونت داشتند. بررسی‌ها نشان می‌دهد که از سال ۱۳۳۵ به

*تویسنده مسئول: yazdani@uma.ac.ir

۲- در سرشماری سال ۱۳۹۰ کلان منطقه خراسان ۱۱۶ نقطه شهری داشت. در سال ۱۳۹۱ شهرستان طبس از استان یزد جدا شد و در حوزه تقسیمات کشوری استان خراسان جنوبی قرار گرفت. به همین خاطر در تحقیق حاضر سه شهر دیهوک، عشق آباد و طبس نیز در قلمرو تحقیق حاضر قرار گرفته است.

کاهش داشته و تعداد نقاط شهری از ۱۴ نقطه شهری به ۱۱۹ نقطه در همین دوره افزایش یافته است. با توجه به آمارهای موجود الگوی سلسله مراتب شهری منطقه خراسان نیز نخست شهری شدیدی را نشان می دهد. به طوری که در سال ۱۳۳۵ شهر مشهد به تنهایی در حدود تقریباً ۱۲ درصد از کل جمعیت منطقه و ۵۶/۳ درصد جمعیت شهری منطقه را به خود اختصاص داده بود که این رقم در سال ۱۳۹۰ به ترتیب به ۳۶/۲ در صد از کل جمعیت منطقه و ۵۳/۶ در صد جمعیت شهری منطقه رسیده است. رشد جمعیت شهری، سلسله مراتب شهری و سطح شهرنشینی در نظام شهری منطقه خراسان از عوامل مختلف داخلی و خارجی متأثر می شود که شناسایی این عوامل برای پیش بینی تحول آینده نظام شهری و برنامه ریزی برای بهبود عملکرد شهری از اهمیت بسزایی برخوردار است.

مدلها و نظریه هایی که تا حال با آنها در ایران نظام شهری و شهرنشینی را تبیین کرده اند عمدتاً مدل های دوره نگرش پوزیتیویستی و دوره گذار نظریه های شهری ارائه شده است و امروزه اکثر این الگوها و نظریه ها یا منسوخ شده اند و یا تعدیل شده اند؛ همچنین کلانشهرهای کشور عملکرد و حوزه نفوذشان در سطح استانی نیست، بلکه فراتر از آن در سطح کلان استانی و بر اساس طرح کالبد ملی در سطح کلان منطقه و حتی ملی است. از این رو برای رفع نواقص مذکور، شناسایی روند تاریخی و تحول الگوی نظام شهری منطقه خراسان در چارچوب نظریه شهرنشینی دیفرانسیل و عوامل موثر بر این روند و الگو یکی از اهداف این تحقیق است.

از آنجائی که برنامه ریزی برای شهرها و آمایش سرزمین و حل مشکلات و مسائل منطقه و شهرها بدون شناخت روند و الگوی شهرنشینی در یک منطقه و بدون شناخت عوامل موثر بر این تغییر و تحولات امکان پذیر نیست، بنابراین شناسایی روند و الگوی شهرنشینی حال و آینده هر نظام شهری برای برنامه ریزی به خصوص مناطق در حال تحول از جمله منطقه خراسان از اهمیت ضروری برخوردار است.

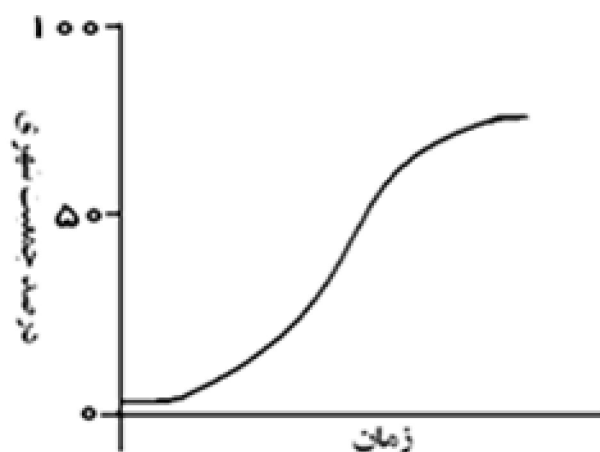
تحقیق حاضر بر آن است تا روند و الگوی نظام شهری و شهرنشینی منطقه خراسان را بر اساس نظریه چرخه شهرنشینی مورد تجزیه و تحلیل قرار دهد. فرض تحقیق حاضر بر این است که نظام شهری و روند و الگوی شهرنشینی منطقه خراسان از نظریه چرخه شهرنشینی تبعیت نمی کند و عوامل مختلف داخلی و خارجی روند چرخه شهرنشینی را در این منطقه تحت تاثیر قرار می دهند.

در مورد شهرنشینی و رشد شهری در کشورهای مختلف تحقیقات زیادی انجام گرفته است. در کشورهای پیشرفته از الگوها و نظریه های جدید برای تبیین شهرنشینی و رشد شهری استفاده می شود (Henderson, 2002; Pacione, 2011; Kasarda & Crenshaw, 1991). بررسی ها و تحقیقاتی که در مورد نظام شهری ایران و مناطق مختلف آن انجام گرفته است، عمدتاً به صورت استانی و یا کشوری با نگرش سنتی سلسله مراتبی و بر اساس شاخصهای تمرکز، تعادل و پراکندگی در چارچوب مدل های رتبه-اندازه، نخست شهری، ضریب آنتروپی و غیره انجام گرفته است (نظریان، ۱۳۷۲؛ ۱۳۷۳؛ ۱۳۸۸؛ زیاری و موسوی ۱۳۸۴؛ فرهودی و دیگران، ۱۳۸۸؛ رخسانی نسب و ضرابی، ۱۳۸۹؛ داداش پور و مولودی ۱۳۹۰؛ شاطریان و همکاران ۱۳۹۰؛ تقوایی و موسوی، ۱۳۸۸ و ...). علاوه بر این، تحقیقات معدودی در ایران با استفاده از رویکردها و الگوهای جدید در مورد شهرنشینی و چرخه شهرنشینی انجام گرفته است (یزدانی، ۱۳۸۶؛ حاتمی نژاد و همکاران، ۱۳۹۲؛ سیف الدینی و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به پیشینه تحقیق، معدود تحقیقی در مورد کلان مناطق ایران به تبیین شهرنشینی و رشد شهری و چرخه شهرنشینی پرداخته اند؛ همچنین در مورد کلان منطقه خراسان هیچ تحقیقی صورت نگرفته است، از این روی این تحقیق با نظریه جدید به تبیین چرخه شهرنشینی در کلان منطقه خراسان پرداخته است.

نظریه چرخه شهرنشین: منحنی ساده رشد لوجستیک شهرنشینی یا منحنی (S) (شکل ۱) به این معنی نیست که شهرنشینی فرایندی (از پایین به بالا)

شهری کشورهای در حال توسعه در مرحله رشد شهرهای بزرگ اندام قرار دارد (Abou Korin, 2014: 382). امروزه اثبات شده است که کاهش نرخ جمعیت شهری بر فرایند باز توزیع جمعیت شهری دلالت دارد. این امر رشد نسبتاً سریعتر مکانهای شهری کوچک اندام یا کاهش مطلق جمعیت شهرهای بزرگ اندام را نشان می‌دهد.

تک مسیری است. در اکثر کشورهای پیشرفته، سطح شهرنشینی بین سالهای ۱۹۶۵ و ۱۹۹۰ بطور محسوسی کاهش یافته است و در مرحله رشد شهرهای کوچک قرار دارد. حتی در بعضی از کشورها از جمله کشور چک، نرخ رشد جمعیت روستایی افزایش یافته است و مهاجرت معکوس به روستاها (مهاجرت از شهر به روستا) اتفاق افتاده است (NOVOTNÁ, 2013). این درحالی است که رشد



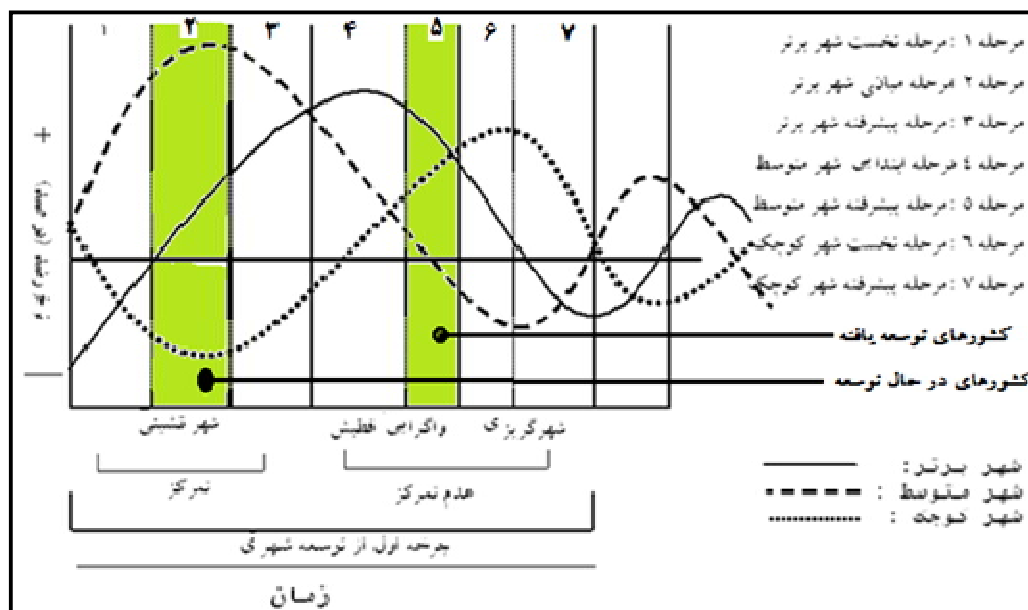
شکل ۱: منحنی ساده رشد لوجستیک شهرنشینی

نظریه‌های چرخه‌ای تقسیم بندی کرده است. گی و کونتلی^۴ (۱۹۹۳، ۲۰۰۸)، گی-یر (۱۹۹۳، ۱۹۹۶، ۲۰۰۳) این مفاهیم را در داخل نظریه چرخه شهرنشینی یا شهرنشینی دیفرانسیل^۵ ترکیب کرده‌اند. در چارچوب نظریه چرخه شهرنشینی یا شهرنشینی دیفرانسیل شهرهای بزرگ، متوسط و کوچک در چرخه توسعه، دوره‌های متوالی رشد سریع و آهسته را طی می‌کنند. مراحل اصلی این چرخه شهرنشینی در شکل ۲ به‌طور خلاصه آورده شده است.

تحولات مذکور در نظام شهری ملی یعنی شدیدترین رشد جمعیت در شهرهای متوسط اندام و کوچک اندام و رشد منفی و یا ثابت ماندن جمعیت مراکز شهری بزرگتر معمولاً واگرایی قطبی یا به‌طور عام‌تر شهرگریزی نامیده می‌شود (پاسیون^۱، ۲۰۰۵: ۷۹). ریچاردسون^۲ در سال ۱۹۷۷ با طرح مفهوم قطبش معکوس به‌طور صریح الگوهای مهاجرتی جمعیت را در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در چارچوب یک نظریه تحقیق کرده است. علاوه بر این، دو کامبو^۳ (۲۰۱۴) نظریه‌های رایج در مورد رشد شهری را در سه بخش شهرگریزی، فرافوردیسم و

4. Geyer & Kontuly
5. Differential urbanization

1. Pacione
2. Richardson
3. Docampo



شکل ۲: نمودار مراحل اصلی توسعه شهری در نظریه چرخه شهرنشینی

صرفه‌های ناشی از مقیاس، همچون هزینه‌های انباشت، ساختار شهری تک مرکزی بدقواره می‌شود. از طریق تمرکز زدایی درون منطقه‌ای شهر برتر خصیصه چند مرکزی شده و یا کلانشهری را گسترش می‌دهد و از لحاظ اقتصادی و فضایی بقیه نظام شهری را تحت سلطه خود در می‌آورد. در حالت کلی، بسط نظام شهری به یک یا چند شهر متوسط انجام به بزرگی شهرهای فعلی منتهی می‌شود. از این نقطه نظر در تاریخ توسعه اکثر کشورها نرخ رشد شهر برتر کند می‌شود و فرایند تمرکززدایی آغاز می‌شود (الگوی ج شکل ۳).

دوره شهر متوسط: نرخهای رشد منفی یا درحال کاهش شهر برتر و تمرکز زدایی فضایی جمعیت شهری معمولاً با رشد مراکز شهری متوسط انجام نزدیک به شهر برتر مقرر نمی‌شود. این چرخش رشد جمعیت یا «واگرایی قطبی» در برخی کشورها از جمله ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه، یونان و برزیل مشاهده می‌شود. دوره شهر متوسط خود به دو مرحله تقسیم می‌شود:

الف- مرحله اولیه شهر متوسط انجام؛ که بواسطه رشد نامنظم گروه معدودی از شهرهای متوسط انجام نزدیک به منطقه مادرشهر برتر مشخص می‌شوند. این شهرهای متوسط انجام نزدیک به مادرشهر برتر جزو

دوره شهر برتر: در طول دوره اولیه شهرنشینی، دوره شهر برتر، نسبت فزاینده‌ای از فعالیت‌های اقتصادی و جمعیت یک کشور یا منطقه در تعداد معدودی از شهرهای برتر یا بزرگ با رشد خیلی شدید متمرکز می‌شود و جریانهای غالب اقتصادی و جمعیتی به سمت شهر برتر روی می‌آورند. در شکل ۳ این جریان‌ها نشان داده شده است. این مرحله را می‌توان به سه زیر مرحله تقسیم کرد:

الف- مرحله اول شهر برتر؛ که در این مرحله شهر برتر بر تمام نظام شهری سلطه فضایی می‌یابد، به طوری که شهر برتر نسبت بسیار زیادی از مهاجرت خالص بین منطقه‌ای را جذب می‌کند (الگوی الف شکل ۳)؛

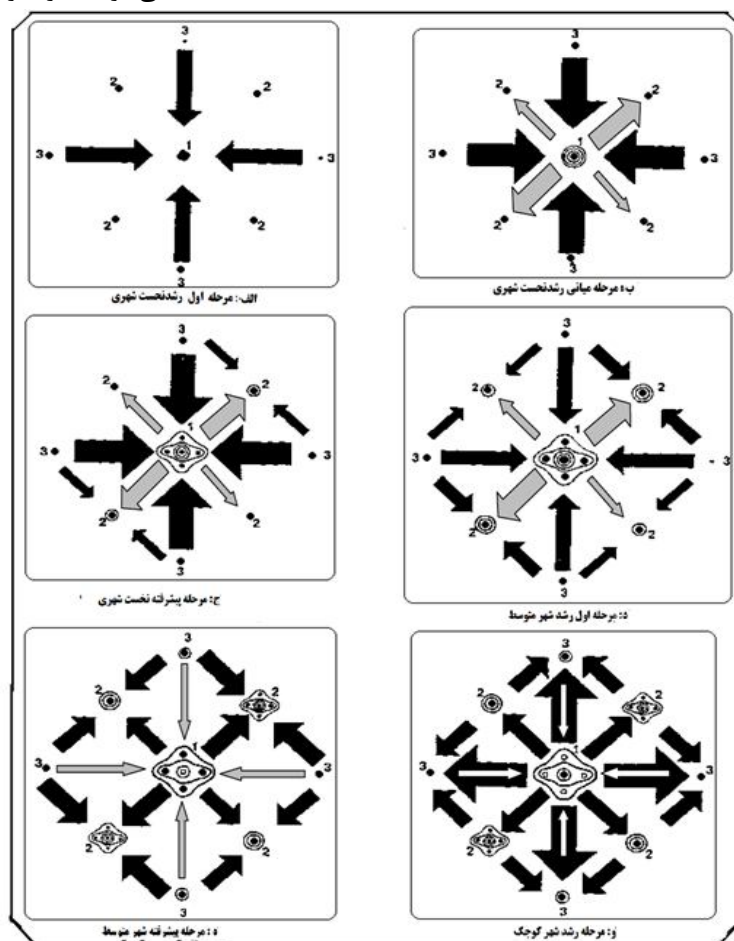
ب- مرحله میانی شهر برتر؛ در این مرحله، شهر برتر به طور شدیدی در حال رشد است و به لحاظ شکل تک مرکزی است و با وجود این، به صورت آشکار حومه نشینی را نیز نشان می‌دهد. احتمال دارد کانونهای حومه‌ای هسته‌های شهر برتر چند گرهی آینده، در این مرحله ظاهر شوند. در نتیجه ویژگیهای منحصر به فرد (ویژگی‌های مساعد موقعیتی)، شهرهای متوسط انجام معینی نسبت به شهرهای دیگر سریعتر رشد می‌کنند (الگوی ب شکل ۳)؛

ج- مرحله پیشرفته شهر برتر؛ در این مرحله شهر برتر به قدری بزرگ می‌شود که بواسطه عدم

دست می‌دهد (الگوی هـ شکل ۳).
دوره شهر کوچک: دوره شهر کوچک استمرار دوره‌های قبلی را نشان می‌دهد. در این چرخه به ترتیب زمانی شهرهای برتر و متوسط اندام بیشترین نرخ رشد جمعیت شهری را نشان می‌دهند و در دوره شهر کوچک نرخ رشد جمعیتی شهرهای کوچک بیشتر از نرخ رشد جمعیتی شهرهای برتر و متوسط اندام است. تا آخر این دوره (مرحله شهر کوچک) نظام شهری به «نقطه اشباع» می‌رسد. نقطه‌ای که دیگر جمعیت روستایی نمی‌تواند بیش از این کاهش یابد (منحنی نرمال شکل ۱) و مهاجرت روستاشهری که عامل مهم در کمک به چرخه شهرنشینی است، متوقف می‌شود. از آنجایی که رشد جمعیت بواسطه رشد طبیعی ممکن است در جوامع پیشرفته خیلی پایین باشد در نتیجه این امر رشد جمعیت به صورت آهسته مشاهده می‌شود (الگوی و شکل ۳).

شهرهای تابع و اقماری مادرشهر برتر نیستند؛ بلکه نقش و کارکرد مستقل دارند. اگر چه شهر برتر هنوز به طور مطلق دارای رشد جمعیت است ولی به طور نسبی از دست دادن جمعیت به نفع شهرهای متوسط را آغاز می‌کند. در این مرحله مراکز حومه‌ای درون منطقه مادرشهر برتر از خود مادرشهر برتر رشد زیادی دارند (الگوی د شکل ۳)؛

ب- مرحله پیشرفته شهر متوسط؛ در این مرحله فرایند حومه نشینی در پیرامون شهرهای متوسط اندام نمایان می‌شود. این مرحله به مرحله پیشرفته شهر برتر شباهت زیادی دارد با این تفاوت که این حومه‌نشینی در مقیاس کوچکتر اتفاق می‌افتد. اگر این مرحله را با مرحله اول شهر متوسط مقایسه کنیم، متوجه می‌شویم که همه مراکز درون منطقه مادرشهر برتر به طور مطلق از دست دادن جمعیت را آغاز می‌کنند و در این روند شهر برتر بیش از مراکز حومه‌ای جمعیت خود را از



شکل ۳: مدل گرافیکی چرخه شهرنشینی جریان‌های اصلی و فرعی

Source: Geyer & Kontuly, 1993, 161.

به هرحال، چنان که مدل نشان می‌دهد (شکل ۲) «دوره شهر کوچک» نه تنها آخر توسعه شهری بلکه همچنین آغاز چرخه شهرنشینی جدید (توالی رشد مادرشهر اصلی، شهر متوسط اندام و شهر کوچک) را نیز نشان می‌دهد. در میان دوره‌های چرخه شهرنشینی، مجموعه نواحی مادرشهری بزرگ (شهرهای برتر) بالاترین نرخ خالص جذب مهاجرت را تجربه می‌کنند. در این فرایند امکان دارد همان مجموعه نواحی شهری بزرگ (شهرهای برتر) چرخه اول شهرنشینی بیشترین رشد را داشته باشند و احتمال دارد همان شهرهای بزرگ بیشترین رشد را نداشته باشند. مراکز شهری بزرگ در سلسله مراتب شهری ملی و بین‌المللی به هم راه گروه معدودی از شهرهای متوسط اندام در حال رشد سریع چرخه اول (مجموعه جدیدی از مراکز مادرشهری اصلی را خواهد ساخت) موقعیت سلطه‌ای خود را حفظ می‌کنند.

روش تحقیق

تحقیقات علمی دو گونه‌اند؛ یا نظریه سازی می‌کنند؛ که در این صورت، خود محقق نظریه را بر اساس فرضیه خود ارائه می‌دهد و در فرایند تحقیق تلاش می‌کند تا بر اساس نتایج، نظریه خود را مورد تأیید یا رد قرار دهد. یا نظریه آزمایشی می‌کند؛ که در این مورد محقق بر اساس نظریات ارائه شده تلاش می‌کند در چارچوب آن نظریه محدودده مورد مطالعه خود را مورد ارزیابی قرار دهد. با توجه به اینکه در این تحقیق نظریه یا مدل چرخه شهرنشینی یا شهرنشینی دیفرانسیل با مورد نمونه شهرهای کلان منطقه خراسان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد از این روی هدف تحقیق حاضر بنیادی و کاربردی است؛ که با رویکرد توصیفی و تحلیلی به این امر پرداخته است. متغیر و شاخص به کار رفته در این تحقیق نرخ رشد سالانه جمعیت شهرهای بالای ۱۰ هزار نفر کلان منطقه خراسان در دوره‌های مختلف سرشماری از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ بر اساس سرشماری سال ۱۳۹۰ می‌باشد.

همچنین لازم به ذکر است که دو شهر جاجرم و گرمه در سرشماری‌های قبل از ۱۳۸۵ به صورت مستقل و در سال ۱۳۸۵ با هم آورده شده بود و در سرشماری سال ۱۳۹۰ باز به صورت جداگانه، از این روی نرخ رشد جداگانه این دو شهر با توجه به جمعیت سالهای ۱۳۷۵ و ۱۳۹۰ محاسبه شده است. همچنین دو شهر کاریز و مشهد ثامن که در سرشماری سال ۱۳۹۰ بالای ۱۰ هزار نفر جمعیت داشتند ولی قبل از این سرشماری آمار دقیقی از آنها مشخص نیست از محدوده پژوهش کنار گذاشته شده‌اند و در نهایت ۳۶ شهر بالای ۱۰ هزار نفر این منطقه در سال ۱۳۹۰ مورد مطالعه قرار گرفته‌اند. همچنین در اینجا باید به شهرستان طبس اشاره کرد که در سال ۱۳۸۰ از خراسان جدا شد و در محدوده حوزه اداری استان یزد قرار گرفت و در نهایت در سال ۱۳۹۱ دوباره به قلمرو اداری استان خراسان جنوبی یعنی کلان منطقه خراسان ضمیمه شد که در اینجا این شهر نیز جزو ۳۶ شهر مورد مطالعه حساب شده است (جدول ۱). با توجه به اینکه جدول یک کل صفحه را پوشش می‌داد و خوب مشخص نمی‌شد از این روی ارقام سرشماری ۱۳۷۰-۱۳۷۵ را جهت کم حجم کردن جدول برای نمایش در مقاله حذف کردیم.

بر اساس آمار سرشماری سال ۱۳۹۰ در کلان منطقه خراسان یک شهر یعنی مشهد بالای یک میلیون نفر، ۶ شهر در طبقه جمعیتی صد تا دویست و پنجاه هزار نفری، ۵ شهر در طبقه پنجاه تا صد هزار نفری، ۸ شهر در طبقه بیست و پنج تا پنجاه هزار نفری و بقیه یعنی ۱۶ شهر در طبقه ده تا بیست و پنج هزار نفری قرار داشتند که در هشت دوره آماری (۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰) و نرخ رشد آنها در همین دوره‌های سرشماری و تطبیق این آمار و داده‌ها با چارچوب نظریه چرخه شهرنشینی به‌عنوان متغیر و شاخص تحقیق مورد استفاده قرار گرفته‌اند.

جدول ۱: تعداد جمعیت شهرها و نرخ رشد آنها در شهرهای کلان منطقه خراسان بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

نرخ رشد در دوره‌های مختلف						تعداد جمعیت در دوره‌های مختلف زمانی						طبقات	نام شهر	
۱۳۳۵-۴۵	۱۳۴۵-۵۵	۱۳۵۵-۶۵	۱۳۶۵-۷۰	۱۳۷۵-۸۵	۱۳۸۵-۹۰	۱۳۳۵	۱۳۴۵	۱۳۵۵	۱۳۶۵	۱۳۷۵	۱۳۸۵	۱۳۹۰		
۵/۴	۵	۸/۲	۳/۸	۲/۶	۲/۲۵	۲۴۱۹۸۹	۴۰۹۶۱۶	۶۶۷۷۷۰	۱۴۶۳۵۰۸	۱۸۸۷۴۰۶	۲۴۲۷۳۱۶	۲۷۴۹۳۷۴	+۱۰۰۰۰۰	مشهد
۳/۳۴	۵/۰۷	۶/۳۸	۲/۷۸	۲/۳۱	۱/۵۳	۳۰۵۴۵	۴۴۴۱۵	۶۹۵۶۲	۱۲۹۱۰۳	۱۷۰۲۳۸	۲۱۴۵۸۲	۲۳۱۵۵۷	۲۵۰۰۰۰-۱۰۰۰۰۰	سبزوار
۲/۶۳	۵/۹۳	۶/۲۵	۴/۴۳	۲/۷۸	۲/۷۵	۲۵۸۲۰	۳۳۴۸۲	۵۹۵۶۲	۱۰۹۲۵۸	۱۵۸۸۴۷	۲۰۸۸۶۰	۲۳۹۱۸۵		نیشابور
۴/۹۶	۴/۳۲	۶/۹۵	۳/۷۸	۲/۷۴	۲/۴۸	۱۹۲۵۳	۳۱۲۴۸	۴۷۷۱۹	۹۳۳۹۲	۱۳۴۸۳۵	۱۷۶۷۲۶	۱۹۹۷۹۱		بجنورد
۶/۳۸	۶/۱۵	۵/۷۱	۴/۳۴	۲/۶۷	۱/۳۹	۱۳۹۳۴	۲۵۵۵۴	۴۹۹۴۳	۸۱۷۹۸	۱۲۷۶۰۸	۱۶۶۱۳۸	۱۷۸۰۲۰		بیرجند
۴/۲۶	۳/۶۹	۵/۲۴	۲/۵۶	۲/۵۱	۱/۵۷	۱۹۸۳۰	۳۰۱۰۶	۴۲۳۵۹	۷۲۰۳۸	۹۴۶۴۷	۱۳۱۳۰۰	۱۳۱۱۵۰		تربت حیدریه
۳/۲۱	۳/۳	۵/۱۴	۲/۴	۱/۶۸	۰/۴۸	۲۱۲۵۰	۲۹۱۳۳	۴۰۳۰۱	۶۶۵۳۱	۸۵۷۵۰	۱۰۱۳۱۳	۱۰۳۷۶۰		قوچان
مجموع نرخ رشد طبقه ۱۰۰۰۰۰-۲۵۰۰۰ نفری														
۷/۵۳	۴/۳۹	۱۱/۵۶	۵/۲۸	۲/۳۳	۱/۹	۶۷۵۶	۱۳۹۵۸	۲۱۴۴۴	۶۴۰۱۰	۶۸۴۸۳	۸۶۲۴۰	۹۴۷۵۸	۱۰۰۰۰۰-۵۰۰۰۰	تربت جام
۴/۲۹	۷/۴۵	۸/۴۸	۳/۹	۱/۸۶	۰/۹۵	۶۹۰۶	۱۰۵۱۰	۲۱۵۶۸	۴۸۶۸۸	۷۰۰۲۸	۸۴۱۸۵	۸۸۲۵۴		شیروان
۲/۵۲	۴/۶۵	۶/۲۴	۳/۵۱	۱/۹۲	۱/۵۲	۱۳۲۹۹	۱۷۰۶۵	۲۶۸۸۳	۴۹۳۵۹	۶۹۱۷۷	۸۳۶۶۷	۹۰۲۰۰		کاشمر
۶/۱۵	۴/۶۹	۹/۰۷	۴/۷۶	۲/۶۱	۲/۵۹	۳۹۵۶	۷۱۸۳	۱۱۳۶۱	۲۷۰۷۹	۴۱۰۶۲	۵۳۱۳۲	۶۰۳۷۲		اسفراین
۷/۵۶	۷/۲۹	۹/۹۵	۸/۰۶	۱/۹۲	۱/۹۲	۲۸۶۶	۵۹۳۸	۱۱۹۹۶	۳۰۹۷۹	۳۹۳۰۲	۴۷۵۳۵	۵۲۲۸۰		تایباد
مجموع نرخ رشد طبقه ۵۰۰۰۰-۱۰۰۰۰ نفری														
۷/۷۸	۱۶/۵۷	۸/۷۸	۶/۵۷	۲/۷۴	۲/۹۵	۸۶۸	۱۸۳۶	۸۵۰۳	۱۹۷۲۰	۳۲۰۶۴	۴۲۰۰۴	۴۸۵۶۷	۵۰۰۰۰-۲۵۰۰۰	چناران
۰/۷۶	۲/۶۷	۷/۲۵	۲/۹۶	۲/۰۷	-۰/۳۴	۷۵۵۵	۸۱۵۲	۱۰۶۱۰	۲۱۳۵۹	۳۰۱۴۹	۳۶۹۹۶	۳۶۶۶۷		گناباد
۲/۲۹	۲/۷۵	۵/۵۷	۲/۷۲	۱/۳	۰/۸۹	۸۵۴۱	۱۰۷۱۱	۱۴۰۴۹	۲۴۱۵۹	۳۱۱۶۲	۳۵۴۴۲	۳۷۰۵۴		درگز
۰/۵۸	۶/۳۸	۹/۳	۶/۱۱	۱/۹۶	۱/۳۹	۳۴۶۱	۳۶۶۸	۶۸۰۶	۱۶۵۵۹	۲۸۵۴۷	۳۴۶۷۵	۳۷۱۶۲		سرخس
۳/۸۱	۱/۷۹	۷/۶۱	۴/۰۵	۳/۱۹	۳/۱۴	۴۴۱۴	۶۴۱۸	۷۶۶۶	۱۵۹۵۵	۲۵۱۷۰	۳۴۴۶۵	۴۰۲۲۶		قاین
۵/۱	۴/۶۱	۵/۴۹	۳/۴	۲/۱۲	۱/۹۱	۴۸۰۲	۷۸۹۴	۱۳۳۸۵	۲۱۱۳۸	۲۶۹۶۶	۳۳۲۵۴	۳۶۵۵۰		فریمان
۲/۹۱	۱/۵	۲/۶۴	۲/۷۹	۱۱/۷۸	۲/۷۶	۷۴۱۳	۹۸۷۶	۱۱۴۶۱	۱۴۸۷۹	۲۵۷۲۲	۳۰۶۷۱	۳۵۱۵۰		طبس
۴/۷	-۰/۵۶	۴/۷	۲/۶۸	۱/۲۷	۱	۶۸۳۴	۱۰۸۱۳	۱۰۲۲۶	۱۶۱۴۴	۲۱۷۸۴	۲۴۷۰۳	۲۵۹۶۸		فردوس
مجموع نرخ رشد طبقه ۲۵۰۰۰-۵۰۰۰ نفری														
۳/۱۵	۴/۵	۶/۴	۳/۹	۲/۱	۱/۷	۳۶۴۱	۳۵۶۳	۴۰۰۰	۷۲۳۵	۱۰۹۹۹	۱۵۴۰۴	۱۸۵۴۷	۲۵۰۰۰-۱۰۰۰۰	جاجرم
-۰/۲۲	۱/۱۶	۶/۱۱	۳/۷۱	۸/۲۸	۳/۷۸	۳۶۴۱	۳۵۶۳	۴۰۰۰	۷۲۳۵	۱۰۹۹۹	۱۵۴۰۴	۱۸۵۴۷		بردسکن
۱/۵۶	۵/۰۳	۷/۷۷	۵/۶۸	۲/۹۱	۲/۴۴	۲۶۵۲	۳۰۹۵	۵۰۵۸	۱۰۶۹۱	۱۷۳۶۵	۲۳۱۴۲	۲۶۱۰۷		خواف
۱/۹	۲/۸۵	۷/۸۴	۵/۵۲	۲/۶۷	۵/۴۱	۴۱۴۴	۵۰۰۱	۶۶۲۱	۱۴۰۷۹	۱۶۷۹۸	۲۱۸۵۶	۲۸۴۴۴		آشخانه
۳/۸۸	۵/۹۹	۷/۱۵	۴/۷۹	۳/۸۳	۴/۰۲	۱۴۴۰	۲۱۰۸	۳۷۷۳	۷۵۲۴	۱۳۹۰۰	۱۸۷۸۴	۲۲۸۷۷		نهبندان
۲/۱۱	-۰/۳۵	۸/۹۱	۷/۵۶	۵/۹۵	۱/۷۵	۲۱۳۰	۲۶۲۵	۲۷۱۷	۶۳۷۷	۹۶۸۳	۱۷۲۶۴	۱۸۸۲۷		فیض آباد
۲/۳۳	۴/۳۱	۵/۶۶	۴/۶۵	۱/۹۱	۱/۴۱	۲۷۵۲	۳۴۶۵	۵۲۸۴	۹۱۶۳	۱۲۵۳۷	۱۵۱۵۱	۱۶۲۵۳		بشرویه
۰/۹۴	۲/۶۱	۳/۴۱	۳/۷۱	۱/۹۹	۱/۵۳	۴۶۲۴	۵۰۸۰	۶۵۷۰	۹۱۸۹	۱۱۶۶۰	۱۴۱۹۶	۱۵۲۱۸		طرقبه
۵/۳۸	۹/۶۴	-۰/۳۴	۱/۲۸	۲/۸۳	۴/۸۴	۲۳۸۳	۴۰۲۴	۱۰۱۰۱	۸۹۱۷	۹۹۸۲	۱۳۲۰۰	۱۶۷۱۸		نقاب
۴/۹۷	۲/۸۱	۳/۳۶	۴/۰۸	۲/۶۸	۱/۷۵	۲۵۱۳	۴۰۸۲	۵۳۸۴	۷۴۹۳	۹۵۷۸	۱۲۴۸۳	۱۳۶۱۴		بجستان
۴/۰۹	۲/۷۷	۳/۰۱	۲/۶۵	۲/۵۴	-۱/۴۲	۲۸۲۳	۴۲۱۷	۵۵۰۰	۷۴۵۱	۹۳۰۷	۱۱۹۶۰	۱۱۱۳۳		خرو
۱/۸۴	۱/۸۷	۲/۶۶	۱/۴۸	۰/۵۶	۳/۴۲	۵۲۰۰	۶۲۳۷	۷۵۰۴	۹۷۵۵	۱۱۲۸۵	۱۱۹۳۲	۱۴۱۱۵		سرایان
۱/۸۸	۳/۷۷	۴/۵۶	۲/۷۴	۲/۱۹	۲/۳۶	۲۷۴۵	۳۳۰۸	۴۷۸۸	۷۴۷۷	۹۴۹۶	۱۱۷۸۹	۱۳۲۴۷		فاروج
۳/۰۴	۱/۸۷	۵/۰۱	۲/۵۷	۰/۶	۱/۹۲	۳۰۵۲	۴۱۱۷	۴۹۵۴	۸۰۷۴	۱۰۰۴۴	۱۰۶۶۸	۱۱۷۳۱		خلیل آباد
-۰/۳۸	۳/۸۳	۵/۹۱	۲/۷۹	۱/۳۴	۴/۱۲	۲۶۵۲	۲۵۵۳	۳۷۱۹	۶۶۰۲	۷۹۳۵	۹۰۶۴	۱۱۰۹۴		گرمه
۱/۸۵	۱/۵۵	۳/۰۹	۳/۱	۰/۳۹	۳/۶۴	۳۶۰۲	۴۳۲۷	۵۰۴۷	۶۸۴۰	۸۷۱۰	۸۹۶۳	۱۰۷۱۶		شاندیز
-۰/۳۸	۲۲/۶۱	۴/۶۷	۰/۶۶	۸/۱۹	۳/۰۹	۲۱۰۲	۳۰۲۴	۲۶۱۸	۴۱۳۲	۴۰۷۷	۸۹۵۸	۱۰۴۲۸		
مجموع نرخ رشد طبقه ۱۰۰۰۰-۲۵۰۰۰ نفری														

مستخرج از سرشماری‌های عمومی نفوس و مسکن از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ توسط نگارنده

محدوده و قلمرو پژوهش

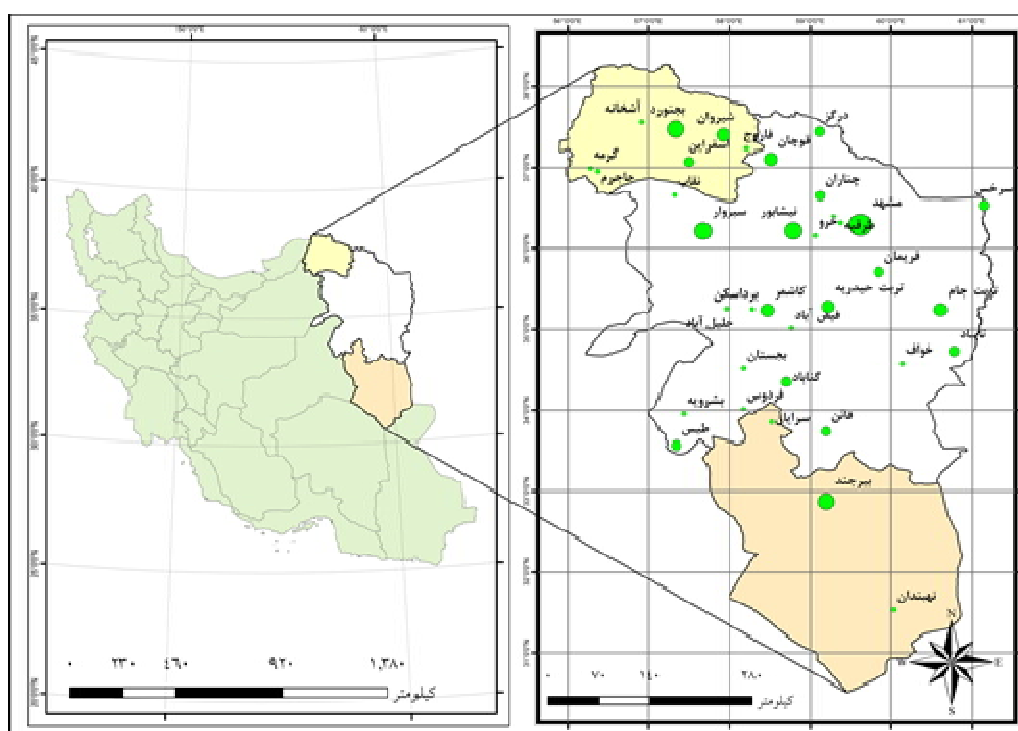
طبق تقسیمات طرح کالبد ملی، کلان منطقه خراسان یکی از ده کلان منطقه کشور است. این کلان منطقه در شمال شرق ایران واقع است که از شمال با کشور ترکمنستان، از شرق با افغانستان، از جنوب با استان‌های سیستان و بلوچستان و کرمان و از غرب با

استان‌های یزد، سمنان و گلستان همسایه است این کلان منطقه قبل از سال ۱۳۸۳ یک استان بود ولی بر اساس تقسیمات سیاسی- اداری سال ۱۳۸۳ به سه استان تقسیم شد. امروزه کلان منطقه خراسان شامل سه استان خراسان رضوی، خراسان شمالی و خراسان جنوبی می شود (عارف‌زاده، ۱۳۸۵: ۱۴۸). در شکل ۴

جمعیت تقریباً از ۲/۲ در صد سالانه بین سالهای ۱۳۴۵-۱۳۳۵ به ۱/۳۳ درصد سالانه بین سالهای ۱۳۸۵-۱۳۹۰ تحول یافته است. همچنین نرخ رشد جمعیت شهری در همین دوره از ۵/۳ درصد به ۲/۵ درصد نرخ رشد سالانه تغییر یافته است. که این امر نشان از تحول شدید جمعیت منطقه بخصوص تحول بیش از حد جمعیت شهری و شهرنشینی این منطقه حکایت دارد (جدول ۲).

موقعیت کلان منطقه خراسان به همراه شهرهای مورد مطالعه نشان داده شده است.

براساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۰، در این کلان منطقه ۱۱۹ نقطه شهری وجود داشت. در سال ۱۳۳۵ کلان منطقه خراسان ۱۴ نقطه شهری با جمعیت بالغ بر ۴۲۹۹۲۵ نفر داشت. در حالی که در سرشماری سال ۱۳۹۰ تعداد نقاط شهری این منطقه به ۱۱۹ نقطه شهری با جمعیت بالغ بر ۵۱۷۲۲۵۵ افزایش یافت. همچنین نرخ رشد کل



شکل ۴: موقعیت کلان منطقه خراسان و نقاط شهری مورد مطالعه

جدول ۲: ویژگی‌های جمعیتی و شهری کلان منطقه خراسان بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

تعداد شهرها	در صد نرخ رشد شهری		در صد جمعیت شهری		تعداد جمعیت شهری کل کشور و منطقه خراسان		در صد نرخ رشد جمعیت		تعداد کل جمعیت		سال	
	کشور	خراسان	کشور	خراسان	خراسان	کشور	خراسان	کشور	خراسان			
۱۴	۱۹۹	-	-	۲۱,۳	۳۱/۶۷	۴۲۹۹۲۵	۶۰۰۲۶۲۱			۲۰۲۳۶۱۲	۱۸۹۵۴۷۰۴	۱۳۳۵
۲۱	۲۷۲	۵,۳	۵	۲۹,۱	۳۸	۷۲۲۶۵۳	۹۷۹۵۸۱۰	۲/۲۲	۳/۱۳	۲۵۲۰۷۷۹	۲۵۰۷۸۹۲۲	۱۳۴۵
۳۲	۳۷۳	۵,۴	۴,۹	۳۸/۱۴	۴۷	۱۲۴۵۲۵۸	۱۵۸۵۴۶۸۰	۲/۶۲	۲/۷۱	۳۲۶۵۰۷۲	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۳۵۵
۴۷	۴۹۶	۷,۴	۵,۴	۴۸,۳	۵۴,۳	۲۵۴۸۹۹۹	۲۶۸۴۴۵۶۱	۴/۹۳	۳/۹۱	۵۲۸۰۶۰۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۱۳۶۵
۵۱	۵۱۲	۱/۸۶	۳,۴۷	۵۱	۵۷	۳۰۶۷۲۳۶	۳۱۸۴۶۵۹۸	۲/۶۳	۲/۴۶	۶۰۱۳۲۰۰	۵۵۸۳۷۱۶۲	۱۳۷۰
۵۴	۶۱۲	۱/۱	۲,۹۵	۵۶,۶	۶۱,۳	۳۴۲۲۷۳۷	۳۶۸۱۷۷۸۹	.۱۱	۱/۴۷	۶۰۴۷۶۶۱	۶۰۰۵۵۴۸۸	۱۳۷۵
۱۰۴	۱۰۱۲	۲,۹۳	۲,۷۴	۵۷,۷	۶۸,۵	۴۵۷۰۷۴۵	۴۸۲۵۹۹۶۴	۱,۶۳	۱,۶۲	۷۱۰۷۵۰۳	۷۰۴۹۵۷۸۲	۱۳۸۵
۱۱۹	۱۱۳۳	۲,۵	۲,۱۴	۶۸,۱۱	۷۱,۳۹	۵۱۷۲۲۵۵	۵۳۶۴۶۶۶۱	۱,۳۳	۱,۲۹	۷۵۹۴۳۲۱	۷۵۱۴۹۶۶۹	۱۳۹۰

مستخرج از سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰ توسط نگارنده

بحث اصلی

در این بخش از مقاله داده‌های تحقیق مورد بررسی قرار گرفته است و سپس به عوامل موثر بر این الگوی شهرنشینی اشاره شده است.

تحلیل داده‌ها

در دوره ده ساله بین سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵ درصد نرخ رشد شهری شهرهای مورد مطالعه کلان منطقه خراسان ۴/۱۸ درصد بود. در بین طبقات شهری، بیشترین نرخ رشد شهری با ۵/۶ درصد نرخ رشد سالانه به طبقه جمعیتی پنجاه تا صد هزار نفری اختصاص داشت. بعد از آن بیشترین نرخ رشد شهری به طبقه جمعیتی شهر مشهد با ۵/۴ درصد نرخ رشد سالانه اختصاص داشت. همچنین کمترین نرخ رشد با ۲/۲ درصد به طبقه شهری شهرهای کوچک بین ده تا بیست و پنج هزار نفری اختصاص داشت. علاوه بر این، در بین ۳۶ شهر مورد مطالعه، بیشترین نرخ رشد شهری به شهر چناران با ۷/۷۸ درصد نرخ رشد سالانه در طبقه جمعیتی پنجاه تا صد هزار نفری و کمترین به دو شهر شانندیز و خلیل آباد با ۳۸- درصد منفی در طبقه جمعیتی ده تا بیست هزار نفری مربوط می‌شود (جدول ۱).

سرشماری سال ۱۳۵۵ نشان می‌دهد که در دوره ده ساله ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵ میانگین نرخ رشد مناطق شهری محدوده مورد مطالعه ۴/۷۳ درصد بود که در بین طبقات مختلف شهری، بیشترین نرخ رشد به طبقه پنجاه تا صد هزار نفری و حداقل نرخ رشد تقریباً با ۳/۳ به طبقه ده تا بیست و پنج هزار نفری اختصاص داشت. همچنین در این دوره بیشترین نرخ رشد به شهر چناران با ۱۶/۵۷ درصد و حداقل این رقم به شهر فردوس با ۵۶- درصد منفی در بین سی و شش شهر مورد مطالعه تعلق دارد (جدول ۱).

بیشترین نرخ رشد شهری در محدوده شهرهای مورد مطالعه با نرخ رشد سالانه ۷ درصدی در دوره ده ساله ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ اتفاق افتاده است. در این دوره بیشترین نرخ رشد شهری در طبقه جمعیتی شهرهای بین پنجاه تا صد هزار نفری با نرخ رشد سالانه ۹/۱ در صد مشاهده می‌شود. طبقه شهری بین ده تا بیست و

پنج هزار نفری در این دوره با نرخ رشد سالانه ۴/۹ در صد کمترین نرخ رشد شهری را تجربه کرده‌اند. در بین کل شهرهای مورد مطالعه تربت جام با ۱۱/۵۶ در طبقه پنجاه تا صد هزار نفری بیشترین و طبقه با ۱/۲۴- کمترین نرخ رشد سالانه را تجربه کرده‌اند (جدول ۱). در دوره پنج ساله ۱۳۷۰-۱۳۶۵ میانگین نرخ رشد شهری محدوده مورد مطالعه تقریباً ۳/۹ درصد را نشان می‌دهد. که در بین طبقات مختلف، طبقه شهرهای ۵۰ تا ۱۰۰ هزار نفری ۵/۱ درصد نرخ رشد سالانه بیشترین و طبقه شهرهای بزرگ با ۳/۴ درصد نرخ رشد سالانه کمترین نرخ رشد را تجربه کرده‌اند. همچنین در بین تمام شهرهای مورد مطالعه تایباد در طبقه شهری کوچک با ۸/۰۶ و شانندیز در طبقه شهری خیلی کوچک با ۰/۶۶ به ترتیب بیشترین و کمترین نرخ رشد را در این دوره تجربه کرده‌اند (جدول ۱).

میانگین نرخ رشد شهری برای محدوده مورد مطالعه در دوره پنج ساله ۱۳۷۵-۱۳۷۰ نسبت به دوره پنج ساله قبل روند کاهشی محسوسی را نشان می‌دهد. در مجموع نرخ رشد این دوره تقریباً ۲/۱۵ درصد بوده که نسبت به دوره قبل ۱/۷۵ درصد کاهش رشد را نشان می‌دهد. همچنین در بین طبقات شهری طبقه شهرهای بیست و پنج تا پنجاه هزار نفری با ۴/۲ درصد نرخ رشد و شهرهای در طبقه پنجاه تا صد هزار نفری با ۰/۸ در صد به ترتیب بیشترین و کمترین نرخ رشد را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین در بین شهرهای مورد مطالعه شهر طبس با ۸/۵۴ درصد نرخ رشد مثبت در طبقه شهرهای بیست و پنج تا پنجاه هزار نفری و تربت جام با ۳/۷۲- نرخ رشد منفی به ترتیب بیشترین و کمترین نرخ رشد را در محدوده مورد مطالعه داشتند (شکل ۴).

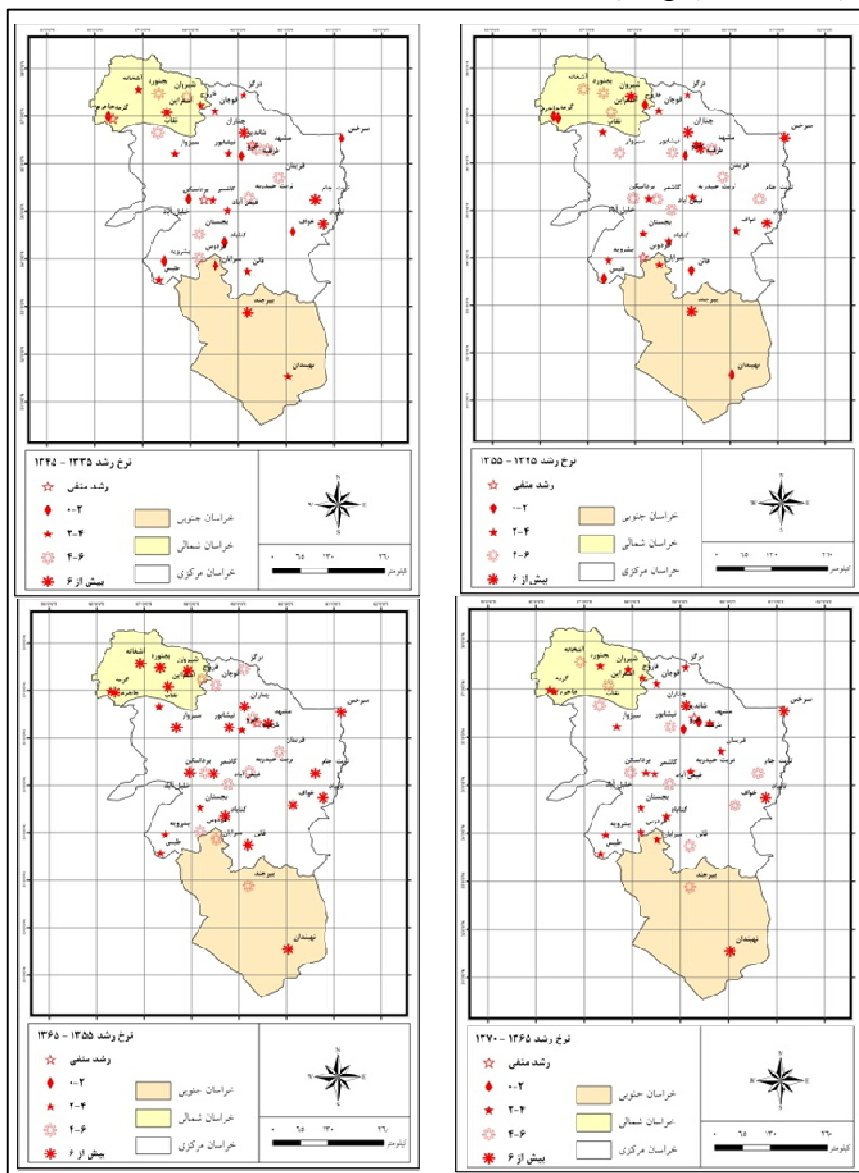
با توجه به سرشماری سال ۱۳۸۵ و نرخ رشد دهساله از سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵، شهرهای منطقه مورد مطالعه به طور میانگین ۲/۴ درصد رشد سالانه داشتند. طبقه شهرهای خیلی کوچک یا ۱۰ تا ۲۵ هزار نفری با ۳ درصد بیشترین و طبقه شهرهای کوچک یا بیست و پنج تا پنجاه هزار نفری با ۱/۲ درصد نرخ رشد کمترین

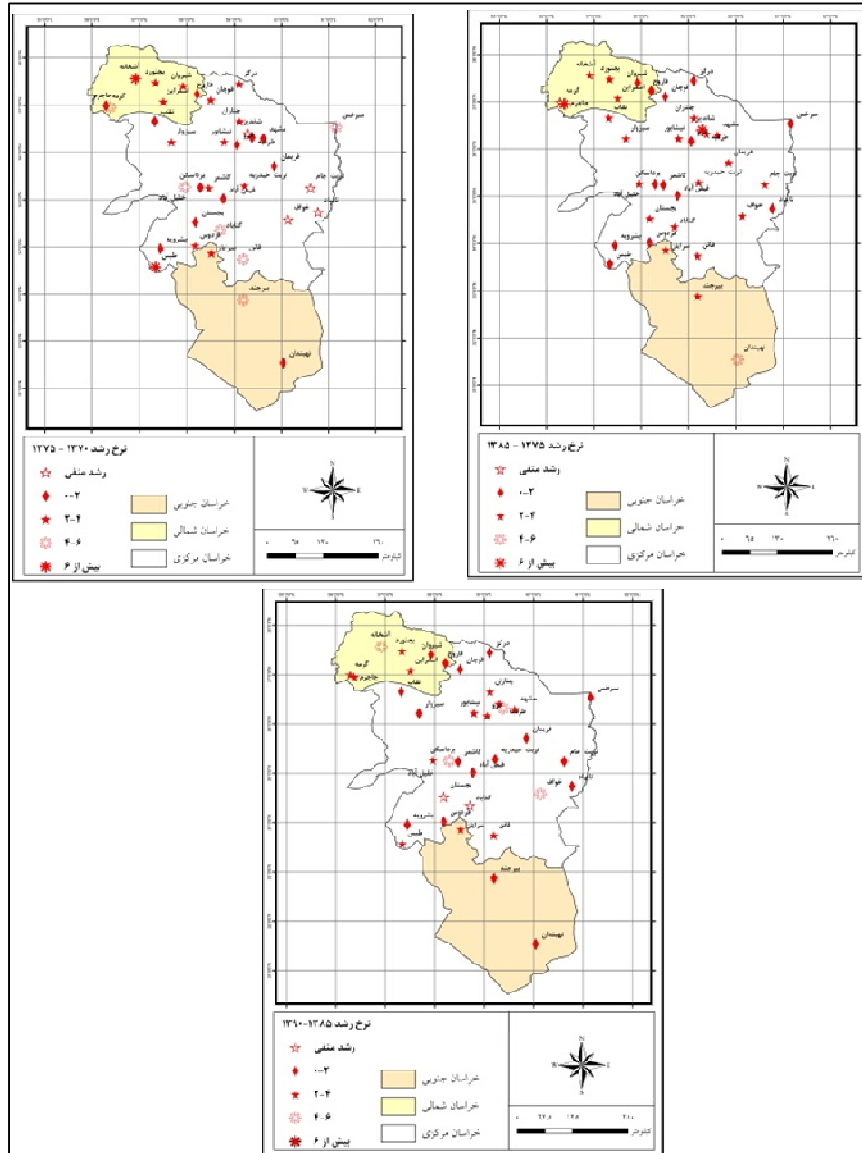
نفری با رقم ۱/۷ درصد نرخ رشد سالانه کمترین نرخ رشد را در طول این دوره تجربه کرده‌اند. همچنین شهرهای خواف با ۵/۴۱ درصد نرخ رشد مثبت بیشترین و بجستان با ۱/۴۲ درصد نرخ رشد منفی کمترین، هر دو از طبقه شهرهای خیلی کوچک، نرخ رشد را تجربه کرده‌اند (شکل ۴).

با توجه به اینکه، داده‌ها و اطلاعات ارائه شده در جدول یک خیلی گسترده است و نقشه‌های داخل شکل چهار به تفصیل و تک شهری ارائه شده‌اند و گویای نرخ رشد شهرهای در طبقات مختلف شهری نیستند، از این روی، برای بازنمایی آشکار تحولات نرخ رشد شهری طبقات مختلف شهری در شهرهای کلان منطقه خراسان، در شکل ۵ ارائه شده است.

نرخ رشد سالانه را تجربه کرده‌اند. علاوه بر این، در بین شهرهای مورد مطالعه جاجرم با ۸/۲۸ در صد و گرمه با ۱/۲۹ درصد نرخ رشد که هر دو در طبقه شهرهای خیلی کوچک قرار دارند به ترتیب دارای بیشترین و کمترین نرخ رشد در بین تمام شهرها بودند (شکل ۴).

در آخرین دوره سرشماری یعنی ۱۳۹۰ که دوره پنج ساله ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ را در بر می‌گیرد، نرخهای رشد شهری روند کاهشی را نشان می‌دهد. در این دوره نرخ رشد شهری برای تمام نقاط شهری تقریباً ۲/۰۸ را نشان می‌دهد. همچنین از بین طبقات مختلف شهری طبقه شهرهای خیلی کوچک با رقم ۲/۸ بیشترین نرخ رشد و طبقه شهرهای بزرگ یا صد تا دویست و پنجاه هزار نفری و شهرهای کوچک یا بیست و پنج تا پنجاه هزار





شکل ۴: نرخ رشد سالانه شهرهای بالای ده هزار نفر منطقه خراسان در هفت دوره آماری از ۱۳۳۵ تا ۱۳۹۰

مختلف مغایرت‌هایی با آن دارد، صحت این تحقیق را مورد تأیید قرار می‌دهد. برخی از عواملی که موجب می‌شوند به‌طور کامل با الگو و روند نظریه چرخه شهرنشینی نظام شهری منطقه مطابقت نداشته باشد در این جا مورد بررسی قرار می‌گیرد.

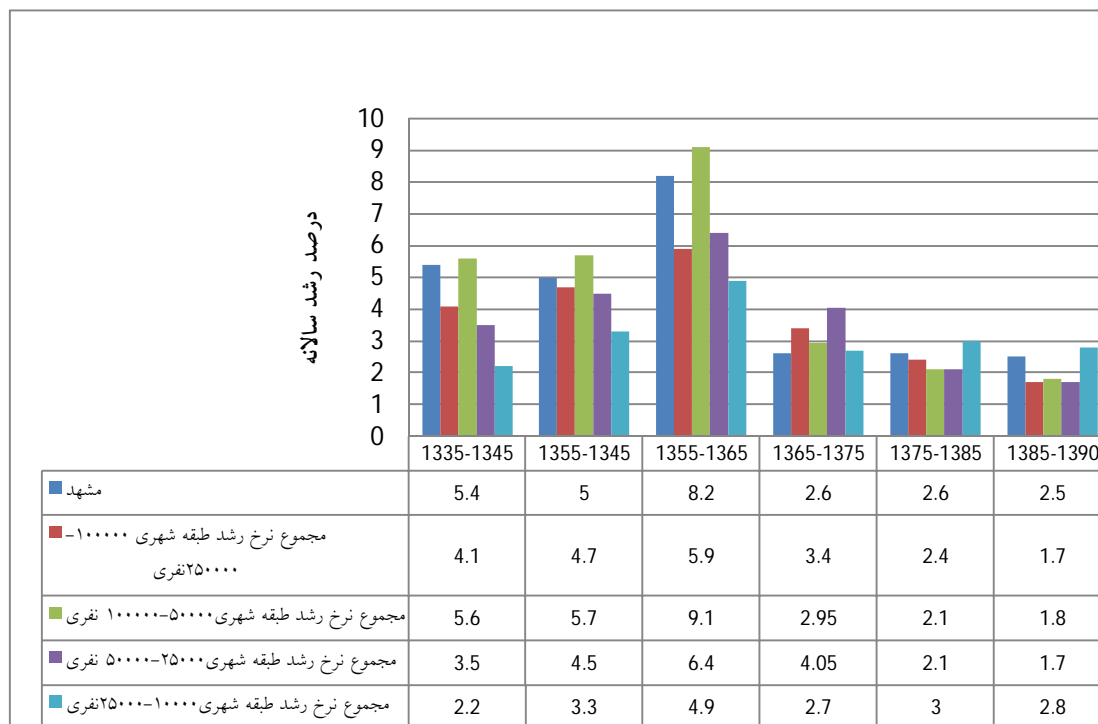
عوامل موثر بر تحولات شهرنشینی منطقه:
 تحولات شهر و شهرنشینی تحت تاثیر عوامل مختلفی از جمله تحولات جمعیتی، اجتماعی، اقتصادی، فن آوری، سیاسی - اداری، فرهنگی و زیست محیطی قرار دارد (شالین، ۱۳۷۲: ۱۵-۸۲؛ عظیمی، ۱۳۸۱: ۱۲۲-۱۳۸؛ Pacione, 2005:3). اثر گذاری و عوامل مذکور

بررسی یافته‌ها نشان می‌دهد که در حالت کلی، الگو و روند شهرنشینی کلان منطقه خراسان با نظریه چرخه شهرنشینی مطابقت ندارد و طبقات مختلف شهری نرخ رشد متفاوتی در دوره‌های مختلف آماری نشان می‌دهند؛ همچنین مطالعه‌ای که گدیک^۱ در همین مورد برای شهرهای بالای صد هزار نفر ترکیه و سه ناحیه عمده آن و یزدانی برای شهرهای بالای صد هزار نفر ایران در سال ۱۳۸۶ انجام داده است نشان می‌دهد که چرخه شهرنشینی به‌طور کامل از الگوی شهرنشینی دیفرانسیل تبعیت نمی‌کند و در دوره‌های

1. Gedik

که مهمترین آنها تحولات اجتماعی-اقتصادی، سیاسی-اداری و جمعیتی است و در این جا مورد بررسی قرار گرفته است.

از ناحیه ای به ناحیه دیگر و از کشوری به کشور دیگر فرق می‌کند (پاسیون به نقل از سیف‌الدینی و همکاران، ۱۳۹۳: ۶۲). در منطقه خراسان برخی از این عوامل شهرها و شهرنشینی را تحت تاثیر قرار داده‌اند



شکل ۵: نمودار و داده‌های نرخ رشد سالانه طبقات مختلف شهری کلان منطقه خراسان در نیم قرن اخیر

جریانهای بین شهری چندان تاثیرگذار نبوده است. به خاطر این، به جز در شهرهای خیلی کوچک، آن هم در موارد استثنایی جاجرم و خلیل آباد در بین سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۴۵، فردوس در سالهای بین ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، طرچه بین سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵، خواف و شاندیز بین سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۷۵ و جاجرم و بجستان بین سالهای ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ هیچ اثری از رشد منفی جمعیت در سایر طبقات شهری در هیچ دوره‌ای مشاهده نمی‌شود (جدول ۲). این در حالی است که در مطالعات چرخه شهرنشینی برای کشورهای پیشرفته، نظام سکونتگاهی این کشورها جریان غالب مهاجرت‌های روستا - شهری را گذرانده اند و امروزه جریان غالب مهاجرتی آنها مهاجرت‌های شهر به شهر است. مطالعاتی که روی شهرهای فرانسه

با توجه به سرشماری‌های دوره‌های مختلف مشخص می‌شود که اکثر جمعیت منطقه روستانشین بوده‌اند. به طوری که در سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۳۵ جمعیت شهرنشین کشور ۳۱/۴ درصد بود، در حالی که این رقم برای منطقه خراسان ۲۱/۵ درصد را نشان می‌دهد؛ این پسرانه جمعیتی کل تحولات جمعیتی منطقه و به تبع آن نظام سکونتگاهی منطقه را تحت تاثیر قرار می‌دهد. به طوری که مهاجرت‌های پیوسته و شدید روستا - شهری مانع از کاهش جمعیت شهرهای خیلی کوچک و کوچک و رشد منفی آنها شده است. همچنین به دلیل روستایی بودن اکثر مردم منطقه، تقریباً ۷۸/۵ درصد در سال ۱۳۳۵ و ۴۲ درصد در سال ۱۳۹۰ عمده جریان‌ها و مهاجرت‌های غالب جمعیتی به صورت مهاجرت از نوع روستا - شهری بوده است و

آن هم به خاطر برقراری ارتباط قوی با مادرشهر، محدودیتهای طبیعی برای گسترش فعالیت‌های اقتصادی سبب جذب جمعیت این منطقه به مادرشهر مشهد شده است (سجادی، ۱۳۸۰: ۱۶۸).

این امر یکی از عوامل موثری بود که روند عادی چرخه شهرنشینی را در منطقه دچار اختلال کرد و مکانیزم شهرنشینی منطقه را به هم زد و باعث شده است روند شهرنشینی این منطقه بر اساس الگوی چرخه شهرنشینی نباشد و از روند زمانی این نظریه تبعیت نکند.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

یک قرن است که نظریات مختلفی در مورد شهر و شهرنشینی شکل گرفته است و بیشتر این نظریه‌ها در کشورهای اروپایی و آمریکایی و مطابق با ساختار فضایی - مکانی و اجتماعی - فرهنگی آن کشورها بوجود آمده‌اند. ظهور این نظریه‌ها را می‌توان به دو دوره اصلی قبل از ۱۹۷۰ و بعد از آن تقسیم بندی کرد. در دوره اول نظریه‌ها بر اساس نگرش پوزیتیویستی و در چارچوب شهرسازی مدرن سازمان یافته بودند. هر چند نظریه‌های این دوره برای کل کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت از جمله ایران تعمیم داده شدند، ولی دیری نپایید که نقایص و کمبودهای این نظریه‌ها آشکار شد و نظریه پردازان به دنبال کشف و جستجوی نظریات و قانون مندبهای جامع و جهان شمول و مختلف برآمدند. از دهه ۱۹۷۰ به بعد تکرر گرایي در نظریه پردازی بویژه در شهرسازی و الگوی شهرنشینی شکل گرفت. یکی از این نظریه‌ها، نظریه چرخه شهرنشینی است که در سال ۱۹۷۷ توسط ریچاردسون ارائه شد و در نهایت در دهه ۱۹۹۰ گی‌یر و کونتلی در دهه ۱۹۹۰ آن را تکمیل کرده و گسترش دادند. ادعای محققین مذکور این بود که شهرنشینی فرایندی تک بعدی نیست، بلکه در دوره‌های مختلف زمانی طبقات مختلف جمعیتی شهرها، نرخ رشد شهری و شهرنشینی متفاوتی را تجربه می‌کنند و این نظریه جهانشمول است و می‌توان به تمام کشورها و مناطق مختلف

و کره جنوبی انجام گرفته است مؤند این مطلب است (یزدانی، ۱۳۸۶: ۱۹۲).

بعد از اشغال افغانستان توسط ارتش سرخ اتحاد جماهیر شوروی سابق، روابط گسترده فرهنگی و اقتصاد (زبان و مذهب مشترک دو کشور ایران و افغانستان) و سیاست‌های خارجی دولت جمهوری اسلامی ایران مبنی بر کمک به برادران افغانی، زمینه هجوم مهاجران و پناهندگان افغانی را به ایران به‌ویژه شمال شرق کشور فراهم می‌آورد. این امر یکی از مهمترین عوامل موثر بر تحولات جمعیتی و شهرنشینی منطقه خراسان در دهه بین سال‌های ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بوده است.

تعداد افغانه در منطقه خراسان بر مبنای آمار شورای هماهنگی امور آوارگان افغانی ۷۶۲۴۱۷ نفر بوده است. در حالی که تعداد واقعی پناهندگان افغانی بر اساس کمیساریای عالی پناهندگان خیلی بیشتر از اینهاست و آمار شورای هماهنگی امور آوارگان افغانی مربوط به آن دسته از افغانه است که دارای کارت اقامت در ایران می‌باشند. تقریباً ۹۰ درصد پناهندگان افغانی در شش شهرستان هم مرز با منطقه افغانستان (شهرستانهای مشهد، بیرجند، تربت جام، تایباد، خواف و قاین) اقامت داشتند (پاپلی یزدی، ۱۳۶۸: ۳۷-۵؛ هورکاد، طالقانی، ۱۳۶۷: ۲۱۲).

هر چند که موازنه خالص مهاجرتی منطقه خراسان برای دهه ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ با ۱۱۶۹۰ نفر موازنه منفی را نشان می‌دهد (نظری، ۱۳۷۲: ۱۶۷). با این وجود، درصد نرخ رشد کل جمعیت با ۴/۹۳ درصد برای منطقه خراسان و ۳/۹۱ درصد برای کل کشور و ۷/۴ درصد نرخ رشد شهری برای منطقه خراسان در مقابل ۵/۴ درصد نرخ رشد شهری برای کل کشور نشان از اثر محسوس پناهندگان افغانی در تحولات جمعیتی و شهرنشینی این منطقه می‌باشد (جدول ۲). شکل ۴ به خوبی نشان می‌دهد که در دوره زمانی ۱۳۵۵ تا ۱۳۶۵ بیشترین نرخ رشد به شهرهای اختصاص دارد که تقریباً هم مرز با افغانستان هستند. تنها شهری که در این دوره رشد منفی داشت مربوط به شهر در طبقه شهری خیلی کوچک طبقه است که

منابع

۱. پاپلی یزدی، محمد حسین. ۱۳۶۸. اثرات سیاسی حضور پناهندگان افغانی در خراسان، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، زمستان ۱۳۶۸، شماره ۱۵، مشهد.
 ۲. تقوایی، مسعود و میر نجف موسوی. ۱۳۸۸. نقدی بر شاخص‌های نخست شهری و ارائه ی شاخصی جدید، مجله جغرافیا و مطالعات محیطی، سال اول شماره ۱.
 ۳. حاتمی نژاد، حسین؛ پور احمد، احمد؛ منصوریان، حسین؛ رجایی، عباس. ۱۳۹۲. تحلیل مکانی شاخصهای کیفیت زندگی در شهر تهران، مجله پژوهشهای جغرافیای انسانی، دوره ۴۵، شماره ۴، زمستان ۱۳۹۲، تهران.
 ۴. داداش پور، هاشم و مولودی، جمشید. ۱۳۹۰. بررسی و تحلیل ساختار سلسله مراتب شهری در استان اردبیل، مجله فضای جغرافیایی، سال یازدهم، شماره ۳۴، اهر.
 ۵. زنگی آبادی، علی و صابری، حمید. ۱۳۸۹. بررسی و تحلیل ساختار سلسله مراتب شهری ایران ۱۳۷۵-۱۳۸۵، فصلنامه تحقیقات جغرافیایی، شماره ۹۶، اصفهان.
 ۶. زیاری، کرامت اله و موسوی، میر نجف. ۱۳۸۴. بررسی سلسله مراتب شهری استان آذربایجان غربی، مجله پژوهشی دانشگاه اصفهان (علوم انسانی) جلد هجدهم، شماره ۱، اصفهان.
 ۷. سجادی، ژیلا؛ علیزاده، کتایون. ۱۳۸۰. بررسی روابط مکانی-فضایی مادرشهرهای منطقه‌ای با مراکز جمعیتی پیرامون آنها: مورد مادرشهر مشهد و شهر طرقله، مجله دانشکده علوم زمین، شماره‌های ۴ و ۵، تهران.
 ۸. سیف‌الدین، غرانک؛ منصوریان حسین؛ پورا احمد، احمد؛ درویش زاده، روشنک. ۱۳۹۳. فرایندها و الگوهای شهرنشینی در ایران، مجله مطالعات و پژوهشهای شهری و منطقه‌ای، سال ششم، شماره بیست و یکم، تابستان ۱۳۹۳، اصفهان.
 ۹. رخشانی نسب، حمید رضا؛ ضرابی، اصغر. ۱۳۸۹. تحلیل روند تحولات سلسله مراتب شهری ایران طی سال‌های ۸۵-۱۳۶۵، فصلنامه جمعیت، پاییز و زمستان ۱۳۸۹، شماره ۷۳ و ۷۴، تهران.
 ۱۰. فرهودی، رحمت اله و همکاران. ۱۳۸۸. چگونگی توزیع فضایی جمعیت در نظام شهری ایران طی سالهای ۱۳۳۵ تا ۱۳۸۵، پژوهشهای جغرافیای انسانی، دانشگاه تهران، شماره ۶۸، تابستان، تهران.
- تعمیم داد. ولی تحقیقاتی که در مورد چرخه شهرنشینی در کشورهای مختلف انجام گرفته در برخی موارد خلاف این ادعا ثابت شده و در برخی موارد الگوی شهرنشینی تا حدودی با این الگو مطابقت داشته است.
- یافته‌های تحقیق حاضر خلاف نظریه چرخه شهرنشینی را نشان می‌دهد و در منطقه مورد مطالعه روند و الگوی شهرنشینی بر اساس چارچوب نظریه چرخه شهرنشینی (دوره اول رشد شهرهای بزرگ به ضرر شهرهای کوچک و متوسط و در دوره دوم رشد شهرهای متوسط به ضرر شهرهای کوچک و بزرگ و در نهایت رشد شهرهای کوچک به ضرر شهرهای بزرگ و متوسط) نبوده است. لذا هر چند که در برخی کشورهای پیشرفته و در حال پیشرفت از جمله فرانسه و کره جنوبی که شهرنشینی تثبیت شده‌ای دارند، شاید نظام شهریشان از الگو و روند این نظریه تبعیت کند، ولی در مورد کشورهای در حال پیشرفتی از جمله ایران و مناطق مختلف آن مثل کلان منطقه خراسان (محدود به مورد مطالعه تحقیق حاضر) که فعلا دوره گذار را طی می‌کنند و ساختار سیاسی، جمعیتی، اجتماعی و مهاجرتی تثبیت شده‌ای ندارند، الگو و روند رشد شهری شان از این نظریه تبعیت نمی‌کند. در محدوده مورد مطالعه از جمله عواملی که الگو و روند چرخه شهرنشینی را تحت تاثیر قرار داده اند، عوامل جمعیتی و اجتماعی بودند که ساختار تثبیت شده نداشتند و عدم تبعیت الگوی و روند شهرنشینی این منطقه را با نظریه چرخه شهرنشینی تبیین می‌کنند.
- در آخر لازم به ذکر است که به کارگیری و تعمیم نظریه‌های مختلفی که در زمینه‌های مختلف علمی از جمله شهرسازی و شهرنشینی در سایر کشورها ارائه داده‌اند، احتیاط لازم بشود و نظریه‌های مذکور تعدیل شده و با ساختار اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، جمعیتی و فضایی بومی و منطقه‌ای تطبیق داده شود تا از این طریق بتوان مشکلات جامعه را خوب شناسایی کرده و در حل مشکل اثرگذار بشوند.

- capabilities, the case of Egypt, *Ain Shams Engineering Journal* 5, 377-390.
24. Docampo, M.G. 2014. Theories of Urban Dynamics, *International Journal of Population Research*, Volume 2014, Article ID 494871, 11.
25. Gedik, A. 2003. Differential urbanization in: (1955-2000). 43rd Congress of European Regional Science Association, Finland, August 27-30, 2003. *Geographer* 3(1): 1-11.
26. Geyer, H.S. 1996. Expanding the Theoretical Foundation of the Concept of Differential Urbanization, *Tijdschrift voor Economische en Sociale Geografie* 87, pp.44- 59.
27. Geyer, H.S., and Kontuly, T. 1993. A Theoretical Foundation for the Concept of Differential Urbanization, *International Regional Science Review*, 15 (3): 157-177.
28. Geyer, H.S. and Kontuly, T. 2008. *Historical Perspectives on Differential Urbanization* (pp. 1- 24). Lanham, Maryland: University Press of America.
29. Geyer, H.S. 1993. African urbanization in Metropolitan in South Africa - Differential urbanization perspectives; *Geojournal*, 30: 3.
30. Geyer, H.S. 2003. Differential urbanization in Southern Africa and its consequences for spatial development policy; *African Urban Quarterly*, 4: 276-91.
31. Henderson, V. 2002. Urbanization in developing countries. *The World Bank Research Observer*, 17: 89-112.
32. Novotna, M., Preis, J., Kopp, J., and Bartos, M. 2013. Changes in migration to rural regions in the Czech Republic: Position and Perspectives, *Moravian Geographical Reports*, 21(3): 37-54.
33. Pacione, M. 2009 urban geography, a global perspective, Routledge, London and Newyork.
34. Richardson, H. 1980. Polarisation reversal in developing countries, *Papers of the Regional Science Association* 45: 67-85.
35. United Nations. 2014. *World Urbanization Prospects the 2014 Revision* (United Nations).
۱۱. شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر؛ زارعی فرشاد، حمید. ۱۳۹۰. تحلیل و مقایسه‌ی توزیع اندازه‌ی شهرها در سیستم شهری ایران و کشورهای همسایه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۸، زمستان ۱۳۹۰، تهران.
۱۲. شالین، کلود. ۱۳۷۲. دینامیک شهری یا پویایی شهرها، ترجمه اصغر نظریان، انتشارات آستان قدس رضوی، مشهد.
۱۳. عارف زاده، محمد امین. ۱۳۸۵. مدل تطبیق سازی نخست شهر و چهار شهر در تقسیمات استان خراسان، *مجله علوم جغرافیایی*، شماره ۱، بهار ۱۳۸۵، تهران.
۱۴. عظیمی، ناصر. ۱۳۸۱. پویای شهرنشینی و مبانی نظام شهری، نشر نیکا، مشهد.
۱۵. مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. گزیده اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰، قابل دسترس در www.amar.org.ir
۱۶. مرکز آمار ایران: سرشماریهای عمومی نفوس و مسکن سال‌های ۱۳۳۵، ۱۳۴۵، ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰.
۱۷. نظری، علی اصغر. ۱۳۶۷. جغرافیای جمعیت ایران، انتشارات گیاتاشناسی، تهران.
۱۸. نظریان، اصغر. ۱۳۷۲. شبکه شهری و نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران، *مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تربیت معلم تهران*، دوره جدید، شماره ۱، تهران.
۱۹. نظریان، اصغر. ۱۳۸۸. پویایی نظام شهری ایران، انتشارات مبتکران، تهران.
۲۰. نظریان، اصغر. ۱۳۷۳. نظام سلسله مراتبی شهرهای ایران، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، شماره ۳۲، مشهد.
۲۱. هورکاد، بزرا؛ طالقانی، محمود. ۱۳۶۷. جمعیت ایران در ۱۳۶۵، بحبوحه درگیریهای موجود در عراق و افغانستان، ترجمه ابوالحسن سروق مقدم، *فصلنامه تحقیقات جغرافیایی*، پاییز ۱۳۶۷، شماره ۱۰، مشهد.
۲۲. یزدانی، محمد حسن؛ اصغر، نظریان، احمد، پوراحمد. ۱۳۸۶. بررسی شهرنشینی دیفرانسیل در ایران، *مجله برنامه ریزی آمایش فضا*، دور یازدهم، شماره اول (پیاپی ۵۹)، تهران.
23. Abou Korin Antar, A. 2014. Small-size urban settlements: Proposed approach for managing urban future in developing countries of increasing technological

